

مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و ارزیابی آن با آموزه‌های دینی

اکبر عروتنی‌موفق^۱

چکیده

هدف: رابطه اخلاق و سیاست یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی در علم سیاست و اخلاق کاربردی و حرفه‌ای است. هدف این مقاله بررسی آراء و نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران برای ارائه الگویی از سیاست اخلاقی در حکومت مبتنی بر مردم سالاری دینی است. در دنیای امروز که اصول و مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی سیاست متأثر از جریانات اومانستی، سکولاریستی، پوزیتیویستی و... است، ارائه مؤلفه‌های الگوی سیاست مبتنی بر اخلاق به شدت ضروری است.

روش‌شناسی پژوهش: در این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی به نگرش درآمده، مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. سؤالی که نویسنده در این مقاله در صدد پاسخ به آن می‌باشد عبارت است از: مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟ برای بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب از مدل توماس اسپریگنز استفاده شده است.

یافته‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای در مکتوبات و بیانات خود با الهام از آموزه‌های دینی خاصه سیره نظری و عملی امام علی(ع) الگویی از سیاست مبتنی بر اخلاق ارائه می‌دهند.

نتیجه‌گیری: اگر سیاست از اخلاق و معنویت جدا گردد، سیاست‌ورزی ابزاری برای کسب قدرت و ثروت و برای پیش بردن مطامع دنیوی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سیاست اخلاقی، آیت‌الله خامنه‌ای، آموزه‌های دینی.

مقدمه

درباره اخلاق و سیاست و رابطه بین این دو، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی دانشمندان علوم سیاسی و مکاتب مختلف اخلاقی ارائه شده است. برخی از صاحب‌نظران، دیدگاه‌های موجود در این باره را در چهارگروه دسته‌بندی نموده‌اند (پونتارا، ۱۳۷۰: ۹۸-۱۰۵). ۱- نظریه جدایی اخلاق و سیاست، ۲- نظریه اصالت سیاست و تبعیت اخلاق از سیاست، ۳- نظریه دوسطحی اخلاق و سیاست و ۴- نظریه‌ی اصالت اخلاق و تبعیت سیاست از اخلاق. ماکیاولی را به‌عنوان نماینده و نماد دیدگاه نخست به شمار آورده‌اند. این دیدگاه، ورود اخلاق به عرصه‌ی سیاسی را ممنوع و خطرناک می‌داند و آن را عامل ناکامی و شکست سیاست قلمداد می‌نماید (ماکیاولی، ۱۳۷۴: ۱۱۷ و ۱۱۸). دیدگاه دوم برای اخلاق هویت و اصالتی قائل نیست. از نظر طرفداران این گروه تمامی رفتارهای اخلاقی اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی تحت سیطره سیاست بوده و ارزش‌های اخلاقی تابع و در خدمت مصالح سیاسی است. نگاه رهبران مارکسیسم را در این گروه می‌توان طبقه‌بندی کرد (پونتارا، ۱۳۷۰: ۱۰۰). در دیدگاه سوم، اصول اخلاقی در امور سیاسی پذیرفته می‌شود، ولی با این قید که اخلاق سیاسی و اجتماعی با اخلاق فردی متفاوت است. این دیدگاه را می‌توان تقریر دیگری از نظریه اول، نظریه جدایی اخلاق و سیاست، دانست. در این دیدگاه ما با دو نوع سیستم اخلاقی مواجه هستیم، هر کدام از این دو، اصول و قواعد خاص خود را دارا بوده و بعضاً هم ممکن است دارای اصولی کاملاً متضاد و متعارض باشند (اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۹۵-۲۰۰؛ پونتارا، ۱۳۷۰: ۱۰۰ و ۱۰۱؛ شریفی، ۱۳۸۸: ۱۹۸). بر اساس دیدگاه چهارم، در زمینه رابطه اخلاق و سیاست، اصالت با اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است و ارزش‌های سیاسی تابع اخلاق می‌باشند. از نظر این گروه اخلاق و سیاست هر دو از مظاهر حکمت عملی بوده و ارزش‌مدارند و میان آن دو، نوعی اتحاد برقرار است به‌گونه‌ای که می‌توان اخلاق را سیاست فردی و سیاست را اخلاق جمعی دانست. با توجه به اهمیت اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان و نهادینه کردن زندگی اخلاق‌مدارانه و درهم تنیدگی اخلاق فردی و اخلاق سیاسی و اجتماعی و با عنایت به ضرورت تبیین این مسأله در حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی که برآمده از آموزه‌ها و تعالیم اسلامی است، این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی مؤلفه‌های سیاست اخلاقی را از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. سؤالی که این مقاله در صدد پاسخ به آن می‌باشد عبارت است از: مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای کدامند؟ در این مقاله برای بررسی و تجزیه و تحلیل از مدل توماس اسپریگنز استفاده شده است. اسپریگنز در مدل تحلیلی خود، چارچوبی برای فهم نظریات سیاسی ارائه می‌دهد (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۱۳۹). بر اساس این مدل اندیشمند سیاسی پس از مشاهده بحران‌ها و بی‌نظمی‌ها و مشکلات جامعه و تبیین وضع موجود به دنبال ارائه الگو برای رسیدن به وضع مطلوب و جامعه آرمانی است (همان: ۱۷۹). هدف این مقاله ارائه الگویی از مؤلفه‌های اخلاق سیاسی در حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است. در دنیای امروز که اصول و مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی سیاست متأثر از جریان‌ات اومانستی، سکولاریستی، پوزیتیویستی و ... است، اخلاق و اصول اخلاقی برآمده از جریان‌ات فوق به شدت رنگ باخته و نگاه ماکیاولیستی و مارکسیستی بر آن حاکم گردیده است، لذا ارائه الگوی سیاست مبتنی بر

اخلاق به شدت ضروری است. به نظر نگارنده آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان جانشین امام خمینی(ره) با الهام از آموزه‌های قرآنی و سیره نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) خاصه علی(ع) از مدلی حمایت می‌کند که سیاست مبتنی بر معنویت و اخلاق را به تصویر کشیده و مؤلفه‌هایی را در بیانات و مکتوبات خود تبیین می‌نماید.

پیشینه پژوهش

۱- کتاب «بایسته‌های اخلاق سیاسی از منظر مقام معظم رهبری» در ۲۵۴ صفحه با تدوین آقای احسان بابایی از سوی دفتر نشر معارف منتشر شده است. این کتاب در ۱۰ فصل شامل: معنویت مبنای سیاست، مسئولیت سیاسی، بصیرت و تحلیل سیاسی، وحدت، آرمان و واقعیت، ادب نقد، نقدپذیری و پاسخ‌گویی، انتخابات، آفات حرکت دانشجویی و اسوه سیاست‌ورزی می‌باشد. ۲- دومین اثر در این زمینه پایان‌نامه کارشناسی ارشد مجتبی نوروزی می‌باشد که با عنوان «ارتباط اخلاق و سیاست در آراء و اندیشه‌های رهبری جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع شده است. در بخش چهارم این پایان‌نامه ارتباط اخلاق و سیاست در آراء و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و نویسنده محترم ثابت نموده که ایشان نیز همانند سلف صالح خویش، معتقد به آموزه یگانگی اخلاق و سیاست می‌باشند. در ابتدای این بخش جلوه‌هایی از شخصیت اخلاقی و سیاسی مقام معظم رهبری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بر اساس جستجوی به عمل آمده مقالاتی در زمینه سیاست اخلاقی و شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن به قید اطلاق نوشته شده است. همچنین مقالاتی اخلاق سیاسی امام علی(ع) و امام خمینی(ره) را مورد بررسی قرار داده‌اند ولی در بررسی‌ها مقاله‌ای با این موضوع مشاهده نگردید. وجه تمایز این مقاله با موارد ذکر شده، در بیان مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و بررسی و ارزیابی آن مؤلفه‌ها با آموزه‌های دینی از جمله تعالیم قرآن کریم، سیره نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) می‌باشد.

نمونه‌هایی از رابطه اخلاق و سیاست

درباره رابطه اخلاق و سیاست ما با نمونه‌ها و شواهد گوناگونی مواجه هستیم. سابقه آموزه جدایی اخلاق از سیاست در مغرب زمین، به یونان برمی‌گردد، توکودیدس (یا توسیدید)، سردار نظامی و مورخ یونانی قرن پنجم قبل از میلاد، نتیجه مشاهدات و تأملات خود را در کتابی با عنوان «تاریخ جنگ پلوپونزی» به یادگار گذاشته است. در این کتاب شاهد دیدگاهی هستیم که به صراحت از جدایی اخلاق از سیاست دفاع می‌کند (توکودیدس، ۱۳۷۷: ۳۳۹ و ۱۷۴-۱۷۵). ولی این مسئله توسط نیکولو ماکیاولی سیاست‌مدار و فیلسوف ایتالیایی (۱۴۶۹-۱۵۲۷) به صراحت بیشتری بیان شده است. ماکیاولی با تأکید و پافشاری بر جدایی و دوگانگی سیاست و اخلاق به حاکم یا شه‌ریار توصیه می‌کند که باید برای تحکیم قدرت خویش هر محذور

اخلاقی را زیر پا بگذارد. او گرچه اخلاق را لازمه زندگی افراد می‌داند، ولی پایبندی به آن را برای شه‌ریار خطرناک می‌شمارد و حاکم را از خطر تقوا برحذر داشته و تأکید می‌کند: «هر که بخواهد در همه حال پرهیزگار باشد، در میان این همه ناپرهیزگاری سرنوشتی جز ناکامی نخواهد داشت، از این‌رو شه‌ریاری که بخواهد شه‌ریاری را از کف ندهد، می‌باید شیوه‌های ناپرهیزگاری را بیاموزد و هر جا که نیاز باشد به کار بندد» (ماکیاولی، ۱۳۷۴: ۱۱۷-۱۱۸). نمود دیگر جدایی سیاست از اخلاق در مکتب کمونیسم تبلور می‌یابد. لنین (۱۸۷۰-۱۹۲۴) درباره اخلاق از دیدگاه مکتب خود می‌گوید: «اخلاق ما از منافع مبارزه طبقاتی پرولتاریا به دست می‌آید... برای ما اخلاقی که از خارج جامعه برآمده باشد، وجود ندارد و یک چنین اخلاقی جز شیادی چیزی دیگر نیست... هنگامی که مردم از ما درباره اخلاق سؤال می‌کنند، می‌گوییم که برای یک کمونیست، کل اخلاق در رابطه با آن نظم و دیسیپلین آهنین و در مبارزه آگاهانه علیه استثمار معنا می‌یابد» (پونتارا، ۱۳۷۰: ۱۰۰). سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰) این نگرش را به خوبی در نمایشنامه «دست‌های آلوده» به تصویر کشیده است. هودهرر به‌عنوان یک کمونیست فعال سیاسی در برابر دیدگاه آرمان‌گرایانه هوگو که وسایل نامشروع را برای کسب قدرت نادرست می‌داند، هر وسیله‌ای را برای به قدرت رسیدن مجاز دانسته، دیدگاه خود را درباره نسبت اخلاق و سیاست چنین بیان می‌کند: «من هر وقت لازم باشد دروغ هم می‌گویم و هیچ کس را هم تحقیر نمی‌کنم. دروغ را من اختراع نکرده‌ام. دروغ در یک جامعه طبقاتی متولد شده و هر کدام از ما از وقتی به دنیا آمده‌ایم، آن را به ارث برده‌ایم. برای از بین بردن طبقات باید از تمام وسایل استفاده کرد» (سارتر، ۱۳۴۷: ۱۵۳-۱۵۴). و چون هوگو اعتراض می‌کند که: «هر وسیله‌ای مشروع نیست» (همان: ۱۵۴)، پاسخ می‌دهد: «هر وسیله‌ای مشروع است، به شرط این که قاطع و مفید باشد» (همان).

آشکارترین نمونه فاصله گرفتن امور سیاسی از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در دهه‌های اولیه تاریخ اسلام معاویه و عمرو بن عاص و نمونه کامل ابتدای سیاست بر اخلاق، امام علی(ع) می‌باشد (دینوری، ۱۳۷۳: ۱۹۷؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ج ۴: ۲۱۷). علی(ع) در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه در مقایسه دو سیستم و روش موجود در زمان خودشان می‌فرمایند: به خدا سوگند معاویه از من سیاستمدارتر و زیرک‌تر نیست؛ ولی او نیرنگ می‌زند و مرتکب انواع گناه می‌شود (سیاستش بی‌قید و شرط است و هر کار خلافی را برای پیشبرد اهداف سیاسی خود مجاز می‌شمرد). اگر غدر و خیانت ناپسند نبود من سیاستمدارترین مردم بودم (سید رضی، ۱۳۷۹: ۴۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای در شرح و تبیین این بیان امام(ع) می‌فرماید: «وقتی [انسان] بنای بر رعایت تقوا و رعایت اخلاق داشته باشد، دست و زبانش بسته است. روش امیرالمؤمنین این بوده است. تقوا که نباشد، دست و زبان انسان باز است، می‌تواند خلاف واقع بگوید، تهمت بزند، به مردم دروغ بگوید، نقض تعهدات بکند، دل‌بستگی به دشمنان صراط مستقیم پیدا کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰).

سیاست و سیاست اخلاقی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

سیاست واژه‌ای عربی از ریشه «السوس» به معنای ریاست و تدبیر (فیومی، ۱۴۱۷: ۲۹۵) یا خلق و خو است. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳: ۱۱۹). واژه‌شناسان در تعریف سیاست گفته‌اند: سیاست اقدام و انجام چیزی طبق مصلحت آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۰۷). واژه‌شناسان زبان فارسی نیز همین مفهوم را انتخاب کرده‌اند: «سیاست به معنی پاس داشتن مُلک، حکم راندن بر رعیت، حکومت، ریاست و داوری است ...» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۸۶۵). در مورد واژه سیاست در معنای اصطلاحی آن تعاریف فراوانی شده و تقریباً تعریفی وجود ندارد که به‌طور عام پذیرفته شده باشد. برای حل این مشکل اغلب سعی شده است با مشخص کردن ماهیت یا مفهوم اصلی مطالعه سیاسی، به‌گونه‌ای از بحث درباره تعریف سیاست اجتناب شود (راش، ۱۳۸۸: ۴). دوورژه کتاب اصول علم سیاست را با دو تعریف از سیاست آغاز می‌کند، در فرهنگ لیتزه (سال ۱۸۷۰) سیاست «علم حکومت بر کشورها» و در فرهنگ روبر (سال ۱۹۶۲) «فن و عمل حکومت بر جوامع انسانی» تعریف شده است (دوورژه، ۱۳۸۶: ۱۵). عده‌ای سیاست را به معنای «علم قدرت» (همان: ۱۷) و برخی هم آن را به معنای «علم دولت» دانسته‌اند (وینست، ۱۳۹۷: ۲۰). امام خمینی (ره) می‌فرماید: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد تمام مصالح جامعه و تمامی ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را به طرف چیزی که صلاحشان هست هدایت کند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۴۳۲). از نظر امام سیاست عبارت است از اداره جامعه‌های انسانی و هدایت آنها به سوی تعالی. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات و مکتوبات خود که به مناسبت‌های گوناگون ارائه نموده‌اند، گاهی به‌صورت سلیبی و گاهی هم به شکل ایجابی مفهوم سیاست را تبیین کرده‌اند. ایشان در شکل سلیبی در مورد سیاست می‌فرمایند: سیاست به معنای پشت هم‌اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵). ایشان در تبیین سیاست حاکم بر جهان کنونی معتقدند: «دنیای سیاست جهانی، دنیای بی‌تقوایی است» (همان، بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲). در بُعد ایجابی هم سیاست را «اداره درست جامعه» می‌دانند (همان، بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵). از نظر ایشان سیاست تنظیم‌کننده جهت حرکت جامعه می‌باشد: «سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدف‌ها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم؟» (همان، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱). آیت‌الله خامنه‌ای با تأسی به سید حسن مدرس در جمله مشهور «دیانت ما عین سیاست ماست، سیاست ما عین دیانت ماست» (مذاکرات مجلس چهارم، استیضاح مستوفی، خرداد ۱۳۰۲، ۱۹۸؛ مکی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۲۰۹؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹). در نوع نگاهشان به سیاست آن را عین دیانت دانسته و با برقرار نمودن رابطه آن با دیانت، معنویت و اخلاق، جهت‌گیری آن را ترسیم می‌نمایند: «این که ما می‌گوییم سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست معنای واضحی دارد؛ اما یک روی دیگرش این است که سیاست ما باید دیندارانه و پرهیزگارانانه باشد. هر کار سیاسی‌ای خوب نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در

دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵). منظور از اخلاق در اصطلاح «سیاست اخلاقی» به این معنا است که سیاست باید با منطق مستقلی که دارد با بهره‌گیری از اخلاق و قواعد حاکم بر حوزه اخلاق که یک دانش هنجاری است و متکفل بیان مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای برآمده از دین، عقل، وجدان و... می‌باشد، چارچوب‌مند گردد. پس مراد از سیاست اخلاقی، اخلاقی کردن سیاست در روش و هدف است. روش سیاسی، شامل عناصری چون راه رسیدن به قدرت، روش حکومت، ساخت سیاسی، اخلاق زمامداران و کارگزاران، رعایت حقوق مردم و اجتناب از ظلم و ستم است. به همین جهت این امور باید اصلاح شده و تحت نظارت و کنترل اخلاق درآید.

ضرورت همراهی سیاست و اخلاق از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای همراهی سیاست و اخلاق امری ضروری بوده و سیاست باید متکی به اخلاق باشد. ایشان معتقدند: سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد و از معنویت سیراب شود، برای مردمی که با آن سیاست مواجهند، وسیله کمال و راه بهشت خواهد بود، اما اگر سیاست از اخلاق و معنویت جدا گردد، سیاست‌ورزی ابزاری برای کسب قدرت و ثروت و برای پیش‌بردن مطامع دنیوی خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰). با توجه به نکات پیش‌گفته و تعاریفی که ایشان از سیاست و سیاست اخلاقی ارائه می‌دهند همراهی و ابتنای سیاست بر اخلاق موجب هدایت و راهیابی انسان به سعادت و کمال می‌گردد. ایشان در تبیین مطلب فوق، با نگاهی آسیب‌شناسانه توجه به دو آسیب را بسیار جدی دانسته و می‌فرمایند: دو آفت بسیار مهم و مبنایی، هم دینداری را تهدید می‌کند و هم سیاست را. نخستین آفت دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف، بی‌مبالاتی، تحجر و جمود، فراموش کردن نقش عقل، التقاط و اموری از این قبیل همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که، دین به زندگی شخصی محدود شود و گستره وسیع زندگی جمعی انسان‌ها و جامعه فراموش شده و مورد غفلت قرار گیرد و با سکوت در برابر این بخش بسیار مهم و اساسی از آن کناره‌گیری کند (همان، بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

و اما در برابر این دو آفت و آسیب از نظر ایشان دو خطر مهم نیز سیاست را تهدید می‌کند: «یکی این‌که، سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویت و فضیلت تهی گردد؛ یعنی شیطنت‌ها بر سیاست غلبه نموده؛ هواهای نفسانی اشخاص، سیاست را قبضه کند؛ منافع طبقات زورگو و زرسالاران جوامع، سیاست را به‌دست گیرد و به این سمت و آن سمت بکشاند. اگر این آفت به سیاست اصابت کند، آن‌گاه تمامی صحنه اجتماعی زندگی انسان‌ها دچار عیب و آفت می‌شود. آفت دیگر سیاست این است که انسان‌های کوتاه‌بین، کودک‌منش و ضعیف، سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دست‌های پر قدرت خارج شود و به دست انسان‌های بی‌کفایت بیفتد» (همان).

مقام معظم رهبری پس از طرح این دو آفت و آسیب، با طرح سؤالی به ارائه راهکار می‌پردازند: از نظر ایشان بهترین شکل و راهکار این است که در رأس سیاست و اداره امور جوامع، افرادی قرار گیرند که

دینداری و سیاست‌گذاری آنها این دو آسیب را نداشته باشد؛ یعنی اشخاصی اداره امور جوامع را بر عهده گیرند که دیندار و دارای معنویت باشند؛ فکر دینی آنها بلند باشد؛ از انحراف و خطا و التقاط و کج‌بینی در دین مصون باشند؛ از تحجر و جمود و متوقف ماندن در فهم دین مبرا باشند؛ دین را بازیچه دست زندگی خود قرار ندهند؛ از لحاظ سیاست، انسان‌های باکفایت و باتدبیر و شجاعی باشند و سیاست را از معنویت و اخلاق و فضیلت جدا نکنند. چنین افرادی اگر زمام امور یک جامعه را به دست بگیرند، جامعه از بیشترین خطراتی که ممکن است برای آن پیش آید، مصون خواهد ماند. ایشان معتقدند اوج چنین وضعیتی زمانی است که یک انسان معصوم از خطا و اشتباه در رأس قدرت سیاسی و دینی قرار گیرد (همان). آیت‌الله خامنه‌ای پس از تبیین ضرورت همراهی سیاست و اخلاق و ذکر آفات و آسیب‌های جدایی این دو به ارائه الگو و نمونه کامل سیاست اخلاق‌مدار در اسلام پرداخته و می‌فرماید: «سلوک سیاسی امیرالمؤمنین (ع) از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛ سیاست امیرالمؤمنین هم، آمیخته با معنویت است، آمیخته با اخلاق است، اصلاً منشأ گرفته از معنویت علی و اخلاق اوست» (همان). در این مبحث مقام معظم رهبری با نگرشی حکیمانه چهار امر مهم را مورد توجه قرار می‌دهند: ۱- بیان ایجابی ضرورت همراهی سیاست با اخلاق و معنویت و دست‌آورد آن؛ ۲- بیان نتایج تلخ جدایی سیاست از اخلاق و معنویت؛ ۳- نگاه مبنایی آسیب‌شناسانه به بحث و نهایتاً؛ ۴- ارائه نمونه و مصداق واقعی سیاست آمیخته با اخلاق و نشئت گرفته از معنویت.

مؤلفه‌های اخلاق سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای با پیروی از امام خمینی (ره) و الهام از آموزه‌های اسلامی، علی‌الخصوص سیره و سنت امام علی (ع) مؤلفه‌های اصلی و اساسی اخلاق سیاسی را تبیین می‌کند. ایشان معتقدند: امیرالمؤمنین (ع) در دوران کوتاه حکومت خود نشان داد که اصول ارزش‌های اسلامی که در دوران انزوای اسلام و در دوران کوچکی جامعه اسلامی به وجود آمده بود، در دوران رفاه و گسترش و اقتدار و پیشرفت و توسعه مادی جامعه اسلامی هم قابل پیاده‌شدن است. اصول اسلامی، عدالت اسلامی، تکریم انسان، روحیه جهاد، سازندگی اسلامی، مبانی اخلاقی و ارزشی اسلام در دوران پیغمبر با وحی الهی نازل شد و تا آن حدی که ممکن بود، به وسیله پیغمبر در جامعه اسلامی اعمال شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۸۲). ایشان در بیانات دیگری مؤلفه‌های اخلاق سیاسی را به شکل ایجابی و سلبی تبیین می‌کنند: «ما با معیار عدالت بین‌المللی، گرایش به معنویت، کرامت دادن به نوع انسان و گرایش به دین خدا و به معنویت و اخلاق معنوی، سرکار آمده‌ایم؛ ما با معیار تن ندادن به قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی سیطره‌جویان عالم سرکار آمده‌ایم؛ اینها، معیارهای جمهوری اسلامی است» (همان، بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۴/۱۲/۰۸). با توجه به اهمیت و اولویت برخی از مؤلفه‌ها بر اساس تکرار و تأکید معظم‌له در مکتوبات و بیاناتشان، موارد ذیل به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

تقوا

تقوای الهی داشتن اولین و مهم‌ترین مؤلفه سیاست اخلاقی در آموزه‌های دینی است. پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) در سفارشات و دستورالعمل‌هایی که برای کارگزاران و فرمانداران اعزامی خود به مناطق گوناگون، صادر می‌فرمودند آنان را همواره به رعایت تقوای الهی توصیه می‌کردند. نمونه‌هایی از سفارش به تقوا که مبین رابطه تقوا و سیاست در اندیشه اسلامی است در پایان این مبحث ارائه می‌گردد. تقوا در اندیشه و نظام سیاسی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای نیز جزو مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی می‌باشد. ایشان برای تبیین نموده‌ها و نمادهای اخلاق سیاسی در اسلام معاصر عموماً از مشی امام خمینی (ره) یاد نموده و ایشان را به‌عنوان الگو مطرح می‌کنند. در مورد تقوای امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرمایند: «امام اگر با تقوا نبود، در طول این مبارزه نمی‌توانست آن منش و شخصیتی را از خود بروز دهد که برای چنین حرکت عظیمی محور شود و کار به این‌جا منتهی گردد» (همان، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۶/۰۶/۲۶). از نظر ایشان امام، مظهر تقوا و توجه و معرفت و عمل برای خدا و اخلاص بود (همان، دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۲/۱۱/۱۷). تقوای امام خمینی (ره)، در جهات و جنبه‌های گوناگون بود و ایشان به‌عنوان یک رهبر سیاسی حتی در مورد اظهار نظر در مورد افراد و اشخاص کاملاً مراقبت و مواظبت داشتند. مقام رهبری در این زمینه می‌فرماید: «یکی از چیزهایی که در همین زمینه [مسئله محاسبات معنوی و الهی در خط امام] وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همه امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است، خیلی مهم‌تر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه می‌گوئیم؟ اینجا تقوا اثر می‌گذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره‌ی او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده تقواست. که ماها باید به یاد داشته باشیم» (همان، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۹/۰۳/۱۴). آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام اسلامی ضمن دعوت آنان به رعایت تقوا، دلایل رعایت تقوا توسط کارگزاران را تشریح و تبیین می‌کنند. تقوا از نظر ایشان به‌عنوان عنصری مهم در سیاست اخلاقی به شمار می‌آید: «همه به تقوا احتیاج دارند؛ من و شما به دو دلیل به تقوا احتیاج داریم: دلیل اول این است که اگر ما بی‌تقوایی کردیم و بر اثر بی‌تقوایی ما ضایعه‌ای پیش آمد، ضایعه بر اسلام پیش می‌آید، نه بر ما؛ آن وقت وزر و وبالش به گردن ماست...؛ دلیل دوم این است که این نظام، حرکت و موفقیتش فقط به برکت تقوا امکان‌پذیر است. خاصیت نظام الهی این است. نظام حق، بی‌تقوا پیش نمی‌رود. نظام باطل که در مقابل حق است، طور دیگری است. البته آن‌جا هم تقیدات و پایبندی‌هایی به یک سری اصول لازم است تا پیش بروند؛ اما تقوا به معنای طهارت و پاکی و پرهیزگاری و رعایت حال همه ارزش‌ها - که در یک جامعه ارزشی و مکتبی و اسلامی لازم است - در جبهه باطل لازم نیست... این نظام، جز با رعایت تقوا و طهارت و پاکی و محاسبه دقیق و صحیح و حسابرسی هر کدام ما از خودش - «حاسبوا انفسکم» (مجلسی،

۱۴۰۳، ج ۶۷: ۲۶۵) - پیش نخواهد رفت. اشتباه است اگر کسی خیال کند همان کارهایی که دیگر حکومت‌ها و دیگر کارگزاران دولت‌ها در دنیا می‌کنند، ما هم همان‌ها را بکنیم. ما اصولی داریم، ما روش‌های مخصوص به خودمان را داریم؛ اینها متعلق به اسلام است. این اصول باید بر دنیا حاکم بشود؛ نه این که اصول غلط دنیای جاهلی و استکباری، خودش را بر ما تحمیل بکند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳). از نظر ایشان تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند (همان، بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵).

ایشان با آسیب‌شناسی وضعیت جهان معاصر، دنیای سیاست جهانی را دنیای بی‌تقوایی می‌دانند (همان، بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲).

بررسی و تطبیق

مسئله رعایت تقوای الهی امری بس مهم در سیاست اخلاق محور در آموزه‌های اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) هنگامی که «عمرو بن حزم» را به‌عنوان کارگزار خود به سوی قبیله بنی‌حارث در یمن می‌فرستاد در ابتدای عهدنامه خود به‌عنوان یک دستورالعمل اساسی برای اداره امور چنین بیان می‌دارند: «امرہ بتقوی اللہ فی امرہ کله، فان اللہ مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون...» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۹۵). علی (ع) هم در نامه‌هایی که به مدیران و مسئولان و کارگزاران خود نوشته‌اند، آنان را به تقوای الهی سفارش فرموده‌اند از جمله: آن حضرت در نامه‌ای که به عثمان بن حنیف - فرماندار منصوب ایشان در بصره - نوشته‌اند، ضمن یادآوری ضرورت ساده زیستی کارگزاران و مسئولان سیاسی به‌عنوان یک اصل مهم در سیاست اخلاقی، تقوا و پارسایی را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمایند: آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند، و از نور دانشش روشنی می‌گیرد، آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده، و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید (سیدرضی، ۱۳۷۹: ۵۵۲). این مسئله در نامه‌هایی که آن حضرت به کارگزاران و عمال سیاسی خود می‌نویسند به‌عنوان سیاست اخلاقی آن حضرت تعبیر می‌شود. ایشان در ابتدای نامه ۵۳ نهج‌البلاغه که به مالک اشتر در سال ۳۸، هنگام انتخاب وی به‌عنوان فرماندار مصر نگاشته‌اند، صراحتاً به رعایت تقوا و مقدم داشتن اطاعت خدا بر سایر کارها امر می‌کند (همان: ۵۶۶).

رعایت حدود الهی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای فلسفه وجودی حکومت اسلامی اقامه حدود الهی است. و تمامی احاد جامعه موظف به حفظ آن هستند. ایشان ضمن بیاناتی می‌فرمایند: حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی آن وقتی سربلند است که بتواند حدود حدود الهی را حفظ کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰). ایشان در ادامه در جهت تبیین بهتر و کامل‌تر سخنان خود این‌گونه ادامه می‌دهند: من به شما - در هر شأنی که هستید- نصیحتی عرض می‌کنم. البته این

نصیحت، در درجه‌ی اول، به خود من متوجه است و آن، حفظ حدود الهی است. اصل قضیه، این است. بعد از ایمان آوردن به اسلام، آنچه که مطرح می‌شود، حفظ خط‌کشی‌های اسلام است (همان). ایشان سپس با بهره‌گیری از آیه کریمه «و من يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون» می‌فرماید: تعدی از حدود الهی، جایز نیست. اسلام خط‌کشی‌ها را دقیق معین کرده است. حدود را بشناسید و طبق آن عمل کنید. هر چه که حد الهی است، آن درست است. سلايق شخصی باید دخالت نکند (همان).

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت ضمن توجه‌دادن مخاطبان به رعایت حدود الهی می‌فرماید: «...[هر چیزی] حدی دارد. اگر از این حد، یک سر مو تخطی کردید، تجاوز از حدود الهی است» (همان، بیانات در دیدار مسئولان دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت، ۱۳/۰۸/۱۳۶۹). از نظر مقام معظم رهبری یکی از مهم‌ترین نتایج التزام و رعایت حدود شرعی، تربیت انسان و اصلاح مجرم و جامعه است. ایشان در بیانات خود در مراسم پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «به‌طور کلی فلسفه رعایت حدود شرعی و اتخاذ مجازات‌ها در احکام دینی و نظام کیفری اسلام، به‌عنوان تابعی از شریعت، ایجاد جامعه‌ای سالم از طریق تربیت افراد سالم است» (همان، ۱۴/۰۳/۱۳۷۳).

بررسی و تطبیق

رعایت حدود الهی از مسائل بسیار مهم و مورد تأکید آموزه‌های دینی است. در قرآن کریم، ۱۳ مورد لفظ حدودالله به عناوین مختلفی به‌کار رفته است و هر یک از این عناوین بیانگر این واقعیت است که: انسان‌ها باید مرزهای الهی را محترم شمرده و از آن تجاوز نکنند. «...تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون» (بقره: ۲۲۸). امام باقر(ع) در تبیین حدود الهی می‌فرماید: خداوند برای هر چیزی حد و مرزی قرار داده و برای نشان دادن آن مرز نشانه‌ای گذاشته است و برای کسی که از آن حد فراتر رود، حد (مجازات) معین کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۹؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۲۴).

یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت دینی اقامه حدود الهی است. امام علی(ع) با عنایت به این امر مهم در مورد احترام گذاشتن به مرزها و حدود احکام الهی می‌فرماید: «همانا خدا واجباتی را بر شما لازم شمرده، آنها را تباه نکنید و حدودی برای شما معین فرموده، اما از آنها تجاوز نکنید، و از چیزهایی نهی فرمود، حرمت آنها را نگاه دارید، و نسبت به چیزهایی سکوت فرمود نه از روی فراموشی، پس خود را درباره آنها به رنج و زحمت دچار نسازید» (سید رضی، ۱۳۷۹: ۶۴۹). یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیتی امام علی(ع) که می‌تواند در زمینه اخلاق سیاسی، اندیشه سیاسی ایشان را تبیین کند، تأکید آن حضرت بر ضرورت رعایت حدود الهی از سوی حکومت است. توجه به حدود الهی در سیاست، سیاست را به‌طور کامل اخلاقی می‌کند و زمامداران را از توسل به روش‌های غیراخلاقی در پیشبرد اهداف سیاسی باز می‌دارد. امام(ع) هدف از سیاست را اجرای حدود الهی می‌شمارد و در نتیجه، برای رسیدن به اهداف سیاسی، زیرپا گذاشتن حدود الهی را به هیچ وجه جایز نمی‌داند. طبیعی است که این امر به خودی خود می‌تواند زمینه حاکمیت اخلاق را در حوزه سیاست فراهم آورد.

حفظ کرامت انسانی

کرامت انسان از مباحث بسیار مهم و اساسی در حوزه انسان شناختی است و در مکاتب الهی و بشری رویکردهای متفاوتی را به وجود آورده است. انسان از نظر آیت‌الله خامنه‌ای دارای ویژگی‌های مبنایی ذیل می‌باشد: ۱. انسان فی نفسه حرمت دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۲/۰۶/۱۱). ۲. انسان مورد تکریم الهی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲). ایشان در تبیین سخنان امام علی(ع) در نامه ۵۳ می‌فرماید: «در نحوه اداره کشور و ارتباط با انسان‌ها، عزت ملی به این است که تک‌تک انسان‌ها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند. «اما اخ لك في الدين و اما نظير لك في الخلق»؛ اگر هم‌دین شماست، مورد احترام است؛ اگر هم‌دین شما هم نیست، مورد احترام است. در جامعه هر که انسان است، مورد احترام است؛ مورد تکریم است؛ این ایجاد عزت ملی می‌کند. اینها ابعاد گوناگون عزت ملی است که رهنمود امام بود؛ انگشت اشاره امام بود» (همان، ۱۳۹۸، همان، بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۸/۰۳/۱۴). از نظر آیت‌الله خامنه‌ای توجه به کرامت انسان شعار و هدف نظام اسلامی و مردم‌سالاری دینی است و هیچ‌وقت رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد: «شعار عدالت‌طلبی هم‌چنان زنده است؛ شعار کرامت انسانی هم‌چنان زنده است؛ اینها متعلق به اسلام است؛ اینها متعلق به جمهوری اسلامی است. خطِ روشن حرکت ملت که برخاسته از ایمان و رأی مردم است و مظهر آن «مردم‌سالاری دینی» است، هم‌چنان جذاب است. امروز ملت‌ها و روشنفکران مسلمان این حرف‌ها و این حوادث را می‌بینند و آنها را مطالعه می‌کنند و نگاه‌شان به ایران است؛ نگاه‌شان به حرکت شماست» (همان، بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹).

ایشان در چارچوب مبانی فکری خود در مسئله کرامت انسان مصادیق و ابعاد گوناگون تکریم شأن انسان را هم تبیین می‌نمایند: «در نظام جمهوری اسلامی، تکریم شأن انسان - که یکی از ویژگی‌های اسلام است - ارزش دادن به انسان، رشد دادن انسان، انسان را در کار شایسته خودش به کار گرفتن و نیروهای او را در خدمت اهداف متعالی جوشاندن، یکی دیگر از گرایش‌های اصولی است» (همان، بیانات در دیدار مسئولان صداوسیما، ۱۳۶۹/۰۵/۰۷). در این‌جا معظم له علاوه بر توجه به کرامت ذاتی انسان‌ها، به کرامت اکتسابی آنها هم توجه نموده‌اند. به این معنا که از نظر ایشان توجه به کرامت ذاتی انسان‌ها، و رشد و تعالی بخشیدن به کرامت اکتسابی آنها از وظایف نظام اسلامی است.

مقام معظم رهبری در معرفی و تبیین اخلاق سیاسی امام خمینی(ره) و اولویت‌های ایشان به‌عنوان بنیان‌گذار نظام اسلامی در ایران می‌فرماید: «... او به انسان‌ها کرامت و به مؤمنان عزت، به مسلمانان قوت و شوکت و به دنیای مادی و بی‌روح معنویت و به جهان اسلام حرکت و به مبارزان و مجاهدان فی‌سبیل‌الله شهامت و شهادت داد» (همان، پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳). در این بین توجه به کرامت و احترام زن در منظومه فکری و سیاست اخلاقی ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۸۸).

بررسی و تطبیق

در ادیان آسمانی به‌ویژه در دین اسلام کرامت انسان به‌صورت‌های مختلف و در مواضع گوناگون در قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) مورد توجه قرار گرفته و از اصول مهم و مبانی با ارزش انسان شناسی اسلامی است (عروتی موفق، ۱۳۹۶: ۱۵۶). در حکومت امام(ع) کرامت انسان در بالاترین حد و در عالی‌ترین درجه مورد تأکید بود. حضرت به کرامت ذاتی انسان‌ها معتقد بود و بر اساس کرامت انسان با مردم رفتار می‌کرد. میزان اهمیت و ارزش افراد در نظر آن حضرت، بر سیره حکومتی ایشان و حاکمیت اخلاق بر سیاست، تأثیری تعیین‌کننده داشت. در نگاه آن حضرت، انسان‌ها بدون توجه به دین و اعتقادشان کرامت دارند و حکومت باید به ارزش انسانی آنان احترام بگذارد. این مسأله به‌طور کامل در آغازنامه ایشان به مالک اشتر آمده است. علی(ع) مردم را دو دسته می‌داند: یا برادران دینی زمامدارند و یا در خلقت با او برابر؛ بر این اساس به مالک توصیه می‌کند که با مردم هم‌چون جانور درنده برخورد نکند و خوردنشان را غنیمت نشمارد (سید رضی، ۱۳۷۹: ۵۶۶). در قانون اساسی ج.ا.ا کرامت انسان، هم صراحتاً و هم به‌صورت غیرصریح مورد توجه قرار گرفته و به انحاء مختلف مطرح شده است (عروتی موفق، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

امام خمینی(ره) به‌عنوان یک اسلام شناس و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، برای کرامت و عزت همه انسان‌ها، چه شهروندان مسلمان جمهوری اسلامی و چه غیر آنان، اهمیت و ارزش والایی قائل بود و همواره همگان را به این مسئله سفارش و امر می‌کرد هم‌چنان که در پیام ۸ ماده‌ای خویش در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ رعایت بیشتر کرامت انسان‌ها و عدم نقض حقوق و عزت آنها را یادآور شدند؛ این پیام یکی از ارزنده‌ترین آثار امام خمینی(ره) است و به‌عنوان «منشور کرامت انسان» نام‌گذاری شده است. ایشان در این پیام موارد غیرقانونی مانند احضار و توقیف افراد، دخل و تصرف یا توقیف و مصادره غیرشرعی اموال، ورود بدون اجازه به حریم خصوصی و کشف گناه و تجسس و افشای اسرار مردم را با صدور این دستور به شدت نهی نمودند و چنین مواردی را جرم و گناه و مخالف حفظ کرامت انسانی به حساب آوردند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۱۳۹-۱۴۳).

عدالت خواهی و عدالت گستری

اخلاقی بودن سیاست در گرو گسترش و نهادینه‌سازی عدالت در جامعه است، لذا باید بررسی نمود که آیا عدالت در ضمن حکمرانی سیاست به معنای کامل کلمه و در همه حوزه‌های زندگی، برپا شده است یا خیر؟ عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم و اساسی سیاست اخلاقی امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است. عدالت از جمله مفاهیمی است که در علوم گوناگون نظیر کلام، فقه، فلسفه و عرفان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به‌صورت‌های گوناگونی تعریف می‌گردد. عدالت محوری‌ترین جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی نظام سیاسی امام خمینی(ره) به‌شمار می‌رود. امام خمینی(ره) در سیره نظری و مواضع عملی خود، یکی از مهم‌ترین اهداف نظام سیاسی را تحقق قسط و عدالت در جامعه دانسته و در موارد

مختلف این واژه را برای تمایز حکومت حق از ناحق به کار برده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۴۰۷؛ ج ۸: ۳۱۷). از نظر ایشان، عدالت و قسط غایتی انسانی است، به همین جهت در همه زمان‌ها و مکان‌ها و برای همه آدمیان مطرح است. عدالت‌خواهی امری بشری و فطری است: «اسلام به قانون نظر «آلی» دارد، یعنی، آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله‌ی اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۷۳).

از نگاه ایشان حکومت و تشکیل حکومت یک وسیله و ابزاری برای تحقق عدالت در جامعه و جلوگیری از انحراف و پرورش نفوس آدمیان و تهذیب آنها می‌باشد و عدالت در این معنا به اخلاق و معنویت پیوند تام و تمام دارد و اصولاً عدالت بدون انگیزه و قصد الهی معنا نخواهد داشت: «و انبیا اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند، برای این است که؛ حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه‌ی الهی، با انگیزه اخلاق و ارزش‌های معنوی انسانی، یک همچو حکومتی اگر تحقق پیدا بکند، جامعه را مهار می‌کند و تا حد زیادی اصلاح می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۱۶۲). آیت‌الله خامنه‌ای در مورد جایگاه عدالت اجتماعی در مکتب سیاسی امام خمینی (ره) می‌فرماید: «عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴). ایشان در معرفی سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) می‌فرماید: «امام، اسلام ناب را مطرح کرد؛ این برای جوان مسلمان، جذاب بود. از جمله مبانی اعلامی امام و شعارهای امام، استقلال بود؛ از جمله آنها آزادی بود؛ از جمله‌ی آنها عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی بود؛ اینها مبانی امام بود که مطرح می‌کرد؛ اینها همه جذاب است» (همان، بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶/۱۴/۰۳). ایشان یکی از شعارهای جمهوری اسلامی را عدالت اجتماعی دانسته و می‌فرماید: «ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاءالله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا؛ ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می‌آورد، دشمنی به وجود می‌آورد، دعوا راه می‌اندازد؛ این هست» (همان، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). از نظر رهبر انقلاب سه رکن اصلی انقلاب که در دنیا هم جا باز کرده، عبارت است از: توحید، کرامت انسان و عدالت اجتماعی (همان، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای عدالت شخصی و نفسانی انسان را پشتوانه عدالت جمعی و منطقه تأثیر عدالت در زندگی اجتماعی می‌داند (همان، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶). و معتقدند: ما بدون یک تحول اخلاقی عمیق و گسترده، نخواهیم توانست عدالت اجتماعی را آن طوری که مورد نظر اسلام است، انجام دهیم (همان، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱).

رعایت عدالت حتی در برابر مخالفان سیاسی

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن بررسی آسیب‌شناسانه، برخی از آفاتی که ممکن است تحت عنوان عدالت‌خواهی شکل بگیرد را اشاره کرده و تأکید می‌کند بر اساس آیات الهی رعایت عدالت حتی در برابر مخالفان سیاسی نیز امری لازم و ضروری است ایشان در این زمینه می‌فرماید: ما اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایداء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابی‌گری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و می‌کنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمی‌خواهد براندازی کند، نمی‌خواهد خیانت کند، نمی‌خواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمی‌توانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمنکم شننان قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور می‌دهد و می‌گوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتعوی» (مائده: ۸)؛ این عدالت، نزدیک‌تر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له نکند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای مسئله گفتمان‌سازی از مسائل بسیار مهم و درخشان در اخلاق سیاسی ایشان و نظام اسلامی می‌باشد ایشان معتقدند عدالت و عدالت‌خواهی باید در جامعه تبدیل به گفتمان نخبگانی شود (همان، بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

بررسی و تطبیق

عدل به مفهوم اجتماعی‌اش در قرآن کریم به‌عنوان هدف نبوت معرفی شده است «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵) و هم‌چنین به مفهوم فردی‌اش مبنای معاد است «و نضع الموازين القسط لیوم القیامه» (انبیاء: ۴۷) لذا بر این اساس است که می‌گوییم اقامه قسط و عدل در میان مردم طبق بیان قرآن کریم هدف بعثت انبیا بوده است و این هدف بزرگ، تنها با قدرت و حکومت به‌دست آمدنی است (حکیمی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۶۸).

از نگاه علی(ع)، عدالت عنصر ذاتی و مهم‌ترین پایه سیاست است. اندیشه سیاسی ایشان، بدون درک مفهوم، اهمیت و جایگاه عدالت از نظر وی قابل درک نیست. آن حضرت خطاب به یکی از فرمانداران خود

فرمود: «عدالت را بگستران و از ستمکاری و بیدادگری پرهیز کن. زیرا ستمکاری، مردم را به آوارگی کشاند و بیدادگری آنان را به مبارزه و شمشیر فرا می‌خواند» (سید رضی، ۱۳۷۹، حکمت ۴۷۶: ۷۴۳).

وفای به عهد

با توجه به اهمیت وفای به عهد در سیاست اخلاقی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، در دیدار مسئولان نظام با اشاره به زوایای پرابهام سند برجام که زمینه سوءاستفاده طرف‌های مقابل را فراهم کرده است تأکید کردند: جمهوری اسلامی ابتدائاً برجام را نقض نخواهد کرد، زیرا وفای به عهد، دستور قرآنی است اما اگر تهدید نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا مبنی بر پاره کردن برجام عملی شود، جمهوری اسلامی برجام را آتش خواهد زد که این کار هم دستوری قرآنی درباره نقض عهد متقابل است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).

در بیان دیگری ایشان ضمن اعلام پایبندی به تعهدات بین‌المللی فرمود: «ما در این مذاکرات به همه تعهدات بین‌المللی پایبند بودیم، ما در این مذاکرات به تعهدات اخلاق سیاسی - اسلامی پایبند بودیم، ما نقض عهد نکردیم، ما دو جور حرف نزدیم، ما تلون به‌خرج ندادیم؛ نقطه‌ی مقابل و طرف مقابل ما آمریکایی‌ها هستند، عهدشکنی کردند، تلون در آراء نشان دادند، تقلب نشان دادند، رفتار آنها یک رفتاری است که برای ملت ما مایه عبرت است؛ آن کسانی هم که در درون مجموعه روشنفکری کشور هنوز ملتفت نبودند که طرف مقابلشان - آمریکا - کیست، خوب است نگاه کنند به این مذاکرات و بفهمند با چه کسی مواجهند و آمریکا امروز در دنیا چه دارد انجام می‌دهد» (همان، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

مقام معظم رهبری پای‌بندی به تعهدات را در زمره پایه‌های اخلاق سیاسی به‌شمار آورده و اقدامات پیمان‌شکنانه نظام آمریکا به‌عنوان نشانه‌های فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکا معرفی نمودند. ایشان در بیاناتی نامه سناتورهای آمریکایی را در مورد عدم پای‌بندی به برجام در دولت بعدی آمریکا نشانه واقعی فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکا دانسته و می‌فرمایند: واقعاً اینها دچار فروپاشی‌اند؛ چون همه دولت‌های عالم طبق مقررات شناخته شده و پذیرفته بین‌المللی به تعهدات خودشان پایبندند. بالاخره یک دولتی در یک کشوری سرکار است، یک تعهدی می‌کند، بعد آن دولت می‌رود دولت دیگری می‌آید، آن تعهد به جای خود باقی است؛ نقض تعهد نمی‌کنند. این آقایان سناتور صریحاً برداشتند اعلام کردند که اگر چنانچه این دولت در آمریکا از کار برکنار شد، این قراردادی که با شما می‌بندد و تعهدی که می‌کند کأن لم یکن است! این نهایت فروپاشی اخلاق سیاسی است. و نشان‌دهنده این است که آن دستگاه دستگاهی است که واقعاً قابل ادامه نیست؛ یعنی آن دستگاه دستگاه متلاشی شده‌ای است که این جور چیزها را انسان در آن مشاهده می‌کند. آن وقت می‌گویند ما می‌خواهیم به ایرانی‌ها یاد بدهیم، درس بدهیم که بفهمند قوانین ما چیست! خب ما احتیاج به درس آنها نداریم؛ ما اگر چنانچه به توافقی هم برسیم، بلدیم چه‌جوری عمل بکنیم که بعد آنها نتوانند جمهوری اسلامی را پشت در نگه دارند. این را مسئولین نظام جمهوری

اسلامی بلدند که چه جوری عمل بکنند، احتیاج به درس آنها نیست اما آنها این جوری عمل می‌کنند؛ این واقعاً نشان‌دهنده فروپاشی است» (همان، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

بررسی و تطبیق

وفای به عهد و پیمان از قوانین مهم بین‌المللی اسلام است. در اسلام وفای به عهد یکی از وظایف مهم مسلمان است، خواه موقع جنگ باشد یا در حال عادی، طرف پیمان مسلمان باشد یا غیرمسلمان؛ به این ترتیب پای‌بند بودن به تعهدات (با دوست و دشمن) از مهم‌ترین پایه‌های نظام اجتماعی بشر است و در سیاست اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های دینی و در سیره و سنت پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) از جایگاه بالایی برخوردار است. از نظر آموزه‌ها و تعالیم اسلامی هیچ کس حق ندارد نسبت به عهد و پیمان خود بی‌وفایی کند. قاعده لزوم عقد در میان قواعد فقهی که مستند به آیه شریفه «اوفوا بالعقود» است، یکی از قواعد بسیار مهم و اساسی در فقه اسلامی است (موحد، ۱۳۹۷: ۲۶). امام باقر (ع) می‌فرماید: خداوند در سه چیز، بر هیچ کس رخصتی نداده است یکی از آن سه چیز وفای به عهد است اعم از این که در مورد نیکوکاران باشد یا اهل گناه (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۵۶). علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر فرمود: بپرهیز از این که به مردم وعده‌ای بدهی سپس خلف وعده نمایی... خلاف وعده عمل کردن موجب خشم خدا و مردم خواهد شد، چنان که خدای بزرگ می‌فرماید: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگویی و عمل نکنی (سید رضی، ۱۳۷۹: ۵۹۰). ایشان در مسئله حکمیت پس از امضای قرارداد دوری، خود را به مفاد آن ملزم می‌دانست و در پاسخ برخی معترضین فرمود: «أ بعد ان کتبناه نقضه؟ هذا لا یجوز» (دینوری، ۱۳۷۳: ۱۹۷؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۴: ۲۱۷؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۳: ۳۳۴).

امانت‌داری

امانت‌داری یکی از صفات اخلاقی است که گاهی به‌عنوان یک ویژگی فردی و شخصی و زمانی هم به‌عنوان یک امر سیاسی، اجتماعی و در امور کشورداری مطرح می‌شود. هر چند در هر دو حوزه این مسئله در اخلاق امری بسیار مهم به‌شمار می‌آید. ولی در حوزه سیاست یکی از مؤلفه‌های مهم سیاست اخلاقی در نظام سیاسی اسلام، امانت‌داری است. امام خمینی (ره) بر اساس تعالیم اسلامی به کارگزاران نظام توصیه می‌فرمودند: خدمت‌گزار باشید به این ملتی که آن دست‌های خیانت کار را قطع کرد و این امانت را به شما سپرد... مقتضای امانت‌داری این است که آن را به‌طور شایسته حفظ کنید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۷۸-۷۹). ما هر چه داریم از این ملت است (همان، ج ۱۳: ۱۹۶).

آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین گستره امانت‌داری می‌فرماید: «همه آن چیزهایی که مردم به ما می‌سپزند، امانت‌های مردم است؛ مقام را به ما می‌سپزند، امنیت را به ما می‌سپزند، دینشان را به ما می‌سپزند، حفظ نوامیسشان را به ما می‌سپزند؛ همه این چیزها امانت‌های مردم دست ما است. ما حکومتیم دیگر؛ هر کسی هر جا هست؛ یکی مثل بنده در یک جایگاهی قرار دارد، یکی در جایگاه دیگری قرار دارد، یکی قاضی است، یکی مسئول تعلیم و تربیت است، یکی امام جماعت است؛ همه اینها امانت‌هایی است که دست ما سپرده

است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، درس خارج فقه، ۱۳۹۷/۰۸/۲۸). امام(ره) حتی آرای مردم را هم به‌عنوان یکی از امانت‌هایی می‌داند که مسئولین امر باید در حفظ آن تلاش می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۰۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز با همین رویکرد به بحث امانت‌داری در سیاست اخلاقی توجه نموده‌اند از جمله ایشان در بحث انتخابات می‌فرماید: «مگر ممکن است در انتخابات جمهوری اسلامی، کسی به خود حق بدهد یا جرأت بدهد که در آراء مردم دستکاری کند؟ اولاً شورای محترم نگهبان، یک مجموعه عادل و مواظب و ناظر بر انتخاباتند و هیچ راهی را برای تقلب باقی نمی‌گذارند. ثانیاً وزیر محترم کشور پیش من آمد و گفت شما مطمئن باشید که ما نمی‌گذاریم یک رأی جابه‌جا شود. اینها مسلمان و انقلابی و متدین و مورد اعتمادند و از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفته‌اند. بفرض در گوشه‌ای یک تخلف کوچک هم انجام گیرد. این در نتیجه انتخابات هیچ تأثیری نخواهد داشت. خود من هم مواظبم و اجازه نخواهم داد که کسی به خود حق بدهد، تقلب در انتخابات را که یک عمل هم خلاف شرع و هم خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی است، انجام دهد. چنین کاری هرگز نخواهد شد... انتخابات این شاءالله با اتقان کامل انجام خواهد گرفت. هم مسئولانی که هستند، مورد اطمینانند، هم خود من نخواهم گذاشت که مسأله انتخابات، خدای نکرده اندکی مخدوش شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های ایثارگران، ۱۳۷۶/۰۲/۳۱). همان‌طور که ملاحظه می‌گردد ایشان با صراحت تقلب در انتخابات را یک عمل خلاف شرع و خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی می‌دانند و با دغدغه و احساس مسئولیت بسیار بالایی خود را موظف به نظارت و پیگیری دقیق از طریق مراجع ذی‌صلاح می‌دانند (همان). ایشان پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا طی مصاحبه‌ای فرمود: «رأی مردم یک امانت و حق الناس است که در دست مسئولان صندوق‌ها و شمارش‌کنندگان آرا قرار دارد و باید در این زمینه دقت زیادی بخرج داده شود» (همان، ۲۴ خرداد ۱۳۹۲).

بررسی و تحقیق

قرآن کریم درباره امانت‌داری می‌فرماید: «انالله یامرکم أن تودوا الأمانات الی اهلها»؛ (نساء: ۵۸) مسأله امانت‌داری در روایات نیز مورد توجه بوده و در منابع روایی، احادیث فراوانی در این زمینه نقل شده است. از جمله امام صادق(ع) فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، جز به راست‌گویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۰۴). و یا در روایت دیگری امام باقر(ع) فرمود: خداوند اجازه ترک سه چیز را به هیچ کس نداده: یکی رد امانت (به صاحبش) می‌باشد چه نیکوکار باشد چه بدکار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۵۶). امام علی(ع) به منظور اصلاح بینش و نگرش کارگزاران سیاسی خود، در نامه‌ای به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان، می‌نویسد: «إن عملک لیس لک بطعمه ولکنه فی عنقک أمان» (سید رضی، ۱۳۷۹: ۴۸۴). حضرت در این نامه پست فرمانداری و لوازم آن را امانت قلمداد نموده و از اشعث بن قیس می‌خواهد که به این امر توجه نماید.



شکل ۱: مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
(با توجه به تأکیدات ایشان در مکتوبات و بیانات)

نتیجه‌گیری

در زمینه رابطه سیاست و اخلاق دیدگاه‌های گوناگونی از سوی دانشمندان علوم سیاسی و مکاتب مختلف اخلاقی ارائه شده است. برخی از صاحب‌نظران، اندیشه‌های موجود در این زمینه را به چهار گروه دسته‌بندی نموده‌اند. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای اگر سیاست از اخلاق سرچشمه بگیرد و از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که با آن سیاست مواجهند، وسیله کمال و راه بهشت خواهد بود اما اگر سیاست از اخلاق و معنویت جدا گردد، سیاست‌ورزی ابزاری برای کسب قدرت و ثروت و برای پیش‌بردن مطامع دنیوی خواهد شد. ایشان با الهام از آموزه‌های اسلامی، علی‌الخصوص سیره و سنت امام علی(ع) مؤلفه‌های اصلی سیاست اخلاقی را تبیین می‌کنند: تقوا و گرایش به معنویت، رعایت حدود الهی، کرامت دادن به نوع انسان، عدالت خواهی و عدالت گستری، امانت‌داری و وفای به عهد از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از نظر ایشان است که با روش توصیفی تحلیلی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

References

- The Holy Quran.
- Al-Dinwari, Abu Hanifa Ahmad Ibn Dawud (1373), Al-Akhbar Al-Tawwal, Qom, Al-Sharif Al-Radhi Publications.
- Arouti Mowaffaq, Akbar (2017), Fundamentals of Human Dignity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Research on the Islamic Revolution, Volume 6, Number 20: 155-172.

- Dekhoda, Ali Akbar (1998), Dictionary, Tehran, University of Tehran Press.
- Dueverger, Maurice (2007), Principles of Political Science, translated by Abolfazl Ghazi Shariat Panahi,
- Fayoumi, Ahmad Ibn Muhammad (1417), Al-Masbah Al-Munira, Beirut, Manshu Rat Dar Al-Radhi.
- Hakimi, Mohammad Reza (1986), Al-Hayah, translated by Ahmad Aram, Tehran, Islamic Culture Publishing House.
- Ibn A'tham, Ahmad (1411), Al-Futuh, Beirut, Dar al-Adwa.
- Ibn Athir, Izz al-Din (1965), Al-Kamil Fi Al-Tarikh, Beirut, Dar al-Sadr.
- Ibn Faris, Ahmad (2020 AH), Dictionary of Comparative Language, Al-Muhaqiq Abdul Salam Muhammad Harun, Beirut, Dar al-Fikr.
- Ibn Hamsham, Abdul Malik (1996 AH), Al-Sira al-Nabawiyah, Beirut, Dar al-Ma'rifah.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1414), The Language of the Arabs, Beirut, Dar Sadr.
- Islami, Seyed Hassan (2004), "The Relationship between Morality and Politics, A Study of Four Theories", Quarterly Journal of Political Science, Volume 7, Number 26: 141-162.
- Khamenei, Seyed Ali (2012), Moral Security, Collection and Regulation: Mojtaba Javidi, Tehran, Islamic Consultative Assembly Research Center.
- Khamenei, Seyed Ali (2014), 250-year-old man, Tehran, Sehba.
- Khamenei, Seyed Ali (2019), "Political Ethics Files", Information Center of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyed Ali Khamenei, www.KHAMENEI.IR
- Khomeini, Seyed Ruhollah (2010), Sahifa Imam, Tehran, Imam Khomeini Publishing House.
- Khomeini, Seyed Ruhollah (1997), Velayat-e Faqih, Tehran, Imam Khomeini Publishing House.
- Klini, Mohammad Ibn Yaqub (1407), Al-Kafi, Research, Correction and Commentary: Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic Library.
- Machiavelli, Niccolo (1995), Shahriar, translated by Dariush Ashouri, Tehran, Flight Book.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1403), Bihar Al-Anwar, Beirut, Al-Wafa Institute.
- Maki, Hossein (1979), Teacher of the Hero of Freedom, Tehran, translation and publication of the book.
- Mohammadi Reyshahri, Mohammad (2010), Mizan Al-Hikma, translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom, Dar Al-Hadith Scientific and Cultural Institute.
- Movahed, Mohammad Ali (2018), Right and Abuse, Tehran, Karnameh Publishing.
- Polanini, Michael (1997), "Beyond Nihilism", Collection of Art and Politics Articles, Tehran, New Design.
- Pontara, Giuliano (1991), Ethics, Politics, Revolution, translated by Hamid Ghaffari, Farhang Letter, Year 2, Nos. 1 and 2: pp. 98-105
- Rush, Michael (2009), Society and Politics, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran, Samat.

- Sartre, Jean Paul (1968), *Infected Hands*, translated by Jalal Al-Ahmad, Asia Publications, Tehran.
- Seyyed Razi, Abolhassan Mohammad (2000), *Nahj al-Balaghah*, translated by Mohammad Dashti, Qom, Presence Cultural and Publishing Institute.
- Sharifi, Ahmad Hossein (2009), *the Rite of Life of "Applied Ethics"*, Qom, Maaref Publishing.
- Tokudidis (Tusidid) (1998), *History of the Peloponnesian War*, translated by Mohammad Hassan Lotfi, Tehran, Kharazmi.
- Vincent, Andrew (2018), *Government Theories*, translated by Hossein Bashirieh, Tehran, Ney Publishing.